

ضرورت + شاکر دسازمی

شیوه زندگی رهبری

راهنمای آموزش

درس پنجم: ایجاد و حفظ ارتباطی سالم

منابع کتاب مقدس برداشته شده است از ترجمه قدیم چاپ دمین می باشد.

کپی رایت ۲۰۱۹، تمامی حقوق متعلق به ترانس ورلد رادیو کانادا می باشد. شما می توانید از این منبع به صورت رایگان استفاده کنید تنها برای یک هدف، رساندن کلام خدا به دیگران. هر نوع استفاده شخصی برای کسب درآمد از این منبع غیر قانونی خواهد بود. برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس بگیرید . www.discipleshipessentials.org/licensing

مقدمه

این درس بخشی از سری درسهائی تحت عنوان شیوه زندگی رهبری است. قصور مسیحیان در انجام خدمات، غالباً به علت عدم رشد شخصیت در رهبران است. یک رهبر مسیحی باید به طور جدی شخصیت خود را ترقی دهد، چونکه شاگردسازی مستلزم اینست که ما در شباهت مسیح رشد کنیم. این درسها به بررسی تعدادی از ویژگیهای لازمه برای رشد رهبری خادمانه میپردازند. ما در این درسها نگاهی خواهیم داشت به آنچه که کتاب مقدس در رابطه با این ویژگی به ما تعلیم داده است و نمونههائی از آنها را در عیسی و دیگران بررسی خواهیم نمود. شخصیت خداگونه باید در زندگی تک تک پیروان مسیح، بخصوص کسانی که در موضع رهبری دیگران قرار دارند، نشان داده شود. منظور از راهنمای آموزش عطف توجه عمیقتر آموزندگان است.

از این دروس می‌توان در کنار سایر موارد سمعی و بصری در www.shagerd.org

استفاده نمود.

شیوه زندگی رهبری

درس پنجم: ایجاد و حفظ ارتباطی سالم

از این درس می‌آموزیم:

این درس به بررسی اهمیت ارتباطی شایسته در زندگی رهبران، و چگونگی ایجاد و بقای این ارتباط می‌پردازد.

توجه کنید!

این درس مانند سایر درس‌ها از این سری سرشار از پیشنهادات مفید برای کشیشان و مشایخ، معلمان و رهبران آینده، می‌باشد. بسیاری از رهبران موفق مسیحی در نقاط مختلف جهان، ما را در تهیه این درس کمک کرده‌اند و تجارب خود را با ما در میان نهاده‌اند. این تجارب ارزنده در پایان هر درسی تحت عنوان «توصیه رهبران به رهبران» آمده‌اند. در حالی که می‌شود از تجربیات کسانی که قبل از ما در این مسیر خدمت کرده‌اند، برخوردار شد، بهترین راه برای یاد گرفتن آن برقراری ارتباط با دیگران است. برخورداری از رهنمودها و دوستی با دیگران در خدمت، بسیار فراوان‌تر از هر کتابی به ما درس می‌آموزد! تحصیل روابط مفید همیشه ارزش صرف وقت و تلاش نمودن را، از طرف رهبران دارد.

بیندیشید!

۱. مهم‌ترین روابط در زندگی شما چه می‌باشند؟ چنین روابطی چه ثمراتی در زندگی شما به بار آورده‌اند؟ و چگونه از آنها بهره‌مند شده‌اید؟

۲. چرا حفظ روابط شایسته برای رهبران مشکل است؟ چرا روابط شایسته اهمیت دارند؟ آیا شما شخصی خانواده دوست هستید، یا گاهی اوقات «مردم‌دار» می‌باشید؟ و یا ارزش بالاتری برای سیستم‌ها، پیشرفت و ابزار لازم برای پیشرفت کار خود، قائل می‌باشید؟

آموزش

◆ **اهمیت مردم:** زندگی یک رهبر، گاهی در تنهایی سپری می‌شود. مادام که دیگران را رهبری می‌کنید و به امور دیگران می‌پردازید، پرداختن به خودتان، دشوار می‌شود. رهبری یعنی نفوذ، یعنی توانایی نشان دادن راه درست به دیگران و ترغیب دیگران به پیروی. بیشتر کسانی که در زندگی رهبران قرار دارند، پیروان آنها می‌باشند - کسانی که در طلب حکمت - هدایت، راهنمایی و معرفت می‌باشند. ولی این مورد غالباً یک ارتباط یکطرفه است. رهبران نیاز به کسانی در زندگی خود دارند که آنها را تعلیم می‌دهند، از آنها یاد بگیرند.

◀ **رهبران نیازمند معاشرت با دیگران می‌باشند:** عبارت «معاشرت» اشاره به رابطه با ایمانداران دیگر دارد که منتهی به منافع متقابل خواهد شد. ارتباط با مسیحیان دیگر برای رهبران حائز اهمیت فراوان است. یک رهبر بدون داشتن ارتباط با مسیحیان دیگر، کم‌تر می‌تواند رشد روحانی را احساس کند و ممکن است دلسرد شود.

← امثال ۱۷:۲۷ در مورد راه‌هایی که دیگران می‌توانند ما را کمک کنند، چه می‌گویند؟
آیا فکر می‌کنید که این مورد در زندگی شما هم مصداق پیدا می‌کند؟

← همه ما دوست داریم رهبران شایسته‌ای باشیم. زیستن، خدمت کردن و کلیسا، کلاً در روابط خلاصه می‌شوند! در امثال ۱۷:۲۷ می‌خوانیم، «آهن، آهن را تیز می‌کند، همچنین مرد روی دوست خود را نیز می‌سازد.» بیاندیشید که چه درسی از این حقیقت می‌توانیم یاد بگیریم:

○ وقتی لبه کند آهن را به سوهانی آهنین می‌سائیم، تیز می‌شود. دو نفر که در یک سطح مساوی قرار دارند، می‌توانند با نوعی ارتباط شایسته دوستانه، یکدیگر را بنا کنند. کسانی که با ما تفاوت دارند و می‌خواهند با دیدگاهی سازنده ما را به چالش بکشند، می‌توانند ما را به شکل مفیدتری تیز سازند.

○ وقتی اره‌ای آهنین با چوب برخورد می‌کند و آن را به شیئی مفید تبدیل می‌کند خودش کند می‌شود و برای تیز شدن مجدد باید به آهنی سخت‌تر از خودش سائیده شود.

○ بدین دلیل ایجاد دوستی - حتی بین زوجین - برای هر رهبری الزامی است. شخصیت و توانائی‌های ما در رهبری، با این دوستی‌ها پیشرفت می‌کند و کند نمی‌شود.

◆ مهم‌ترین روابط برای رهبران: اگر شما می‌خواهید رهبر شایسته‌ای باشید، نیاز به ارتباطی شایسته فراسوی ارتباط با پیروان خود، دارید. موارد زیر فهرستی از مهم‌ترین روابط در زندگی هر رهبری می‌باشند.

← خانواده: خدا خانواده را به ما ارزانی داشته است تا ما را دوست بدارند و حمایت کنند، و جایگاه امنی برای شکوفا شدن برای ما فراهم سازند. افراد مجرد با حمایت

والدین و خواهران و برادران از این برکت برخوردار می‌شوند. کسانی که ازدواج کرده‌اند توسط همسرانشان تشویق می‌شوند. ارتباط خانوادگی را مراعات و غنی سازید. اگر اعضای خانواده شما ایماندار نیستند، دعا کنید تا خدا کسانی را وارد زندگی شما سازد که شما را به عنوان یک فرزند روحانی پذیرفته و ایمان شما را غنی سازند.

به نمونه‌هایی از رابطه خانوادگی در نمودار زیر توجه کنید. چگونه اعضای خانواده توانسته‌اند یکدیگر را محبت کنند، و تعلیم دهند؟

روابط	آیات	چگونه کمک کردند؟
خانوادهٔ ایوب	ایوب ۱۱:۴۲	
مریم و مرتا	لوقا ۴۲-۳۹:۱۰	
موسی و پدرزنش	خروج فصل ۱۸	

← روابط دوستانه: خدا دوستانی را به ما داده است که علائق مشترک خود را با ما در میان می‌گذارند. دوستان با هم مساوی می‌باشند و به یکدیگر احترام می‌گذارند و یکدیگر را تحسین می‌کنند. دوستان، هم سفر شما در لحظات خوب و بد، زندگی می‌باشند. آنها در شادی و اندوه شما مشارکت دارند، به سخنان شما گوش می‌دهند و شما را تشویق می‌کنند.

امثال ۲۷:۵-۶	
عبرانیان ۱۰:۲۴-۲۵	
امثال ۱۳:۲۰	
امثال ۲۲:۲۴-۲۵	

- داود و یوناتان نمونه‌ای از دوستی می‌باشند. آنها همدیگر را حفاظت و کمک می‌کردند و اهداف مشترکی داشتند (اول سموئیل ۱۸:۱-۴ و ۱۹:۱-۹ و ۲۰:۱-۴۶).
- داود دوستان دیگری هم داشت - کسانی که او را کمک می‌کردند، او را حمایت می‌کردند و در عوض چیزی از وی نمی‌خواستند (اول تواریخ ایام ۱۷:۱۲؛ دوم

سموئیل ۱۶:۱۶).

○ دوستان ایوب نخست او را دلداری دادند (ایوب ۲:۱۱-۱۳). هرچند که آنها گلابیه‌های ایوب را مورد انتقاد قرار می‌دادند و او را محکوم می‌کردند، حداقل در لحظات درد و اندوه با او بودند.

--

← همکاران مشاور: علاوه بر خانواده و دوستان، ما نیازمند همکاران و همسرانی داریم که ما را نصیحت کنند. این ناصحان با مشکلات ما آشنا هستند و می‌توانند به ما دیدگاه و رهنمود لازم را پیشنهاد نمایند. شما به عنوان یک رهبر ممکن است از رهنمودهای معلمان، مشایخ، کشیشان و ناظران دانا استفاده کنید.

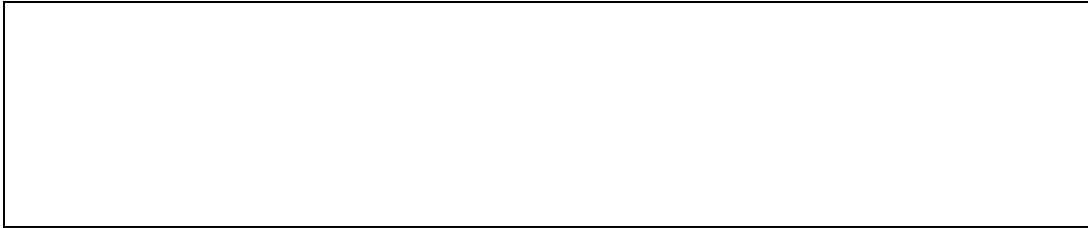
آیات زیر راجع به نیاز ما به مشورت ناصحان دانا، چی می‌گویند؟

امثال ۱:۵	
امثال ۱۵:۲۲	
امثال ۲۵:۶	

○ اعتماد نهائی ما نه به کسانی نیست که به ما اندرز می‌دهند، بلکه به خدا است که از طریق آنها سخن می‌گوید و آنها را برای کمک به ما، به کار می‌برد.

○ بعضی اوقات استفاده از رهنمودهای دیگران برای مقابله با مشکلات می‌تواند نشانه دیدگاه گناه‌آلود و ترس ما تلقی شود. در حالیکه ممکن است ما به سادگی خود را فریب دهیم و فکر کنیم کارمان را درست انجام می‌دهیم، طرح مشکلات با دیگران به ما کمک می‌کند تا خود را روشن‌تر مشاهده کنیم.

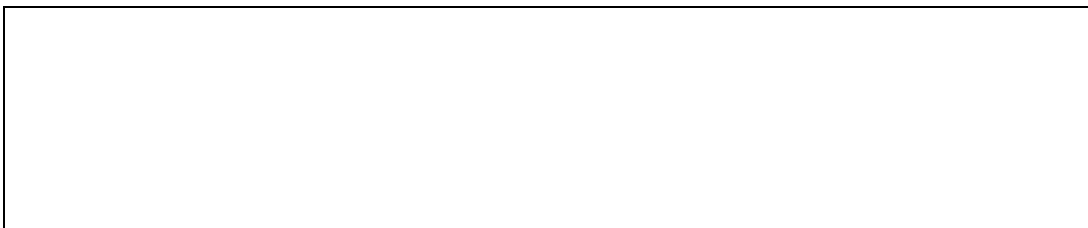
چه کسی را در زندگی خود دارید که با اندازه کافی دانا باشد تا شما را اندرز دهد؟ به پیشنهاد چه کسی احترام می‌گذارید، و تحت چه شرایطی در طلب رهنمود می‌باشید؟



← **مرشدان:** وقتی کسانی بر می‌گزینید تا به عنون مرشد عمل کنند، کسانی را انتخاب کنید که شخصیتشان مورد تأیید شما باشد، کسانی با تجربه رهبری، کسی که بتوانید به او اعتماد کنید. چنین افرادی ممکن است مرشدانی روحانی باشند که می‌توانند رشد شما را در ایمان و شناخت خدا، تسریع بخشند. رهبران می‌توانند شما را در دستیابی به مهارت‌های لازم برای ادامه کارتان، کمک کنند.

○ موسی و یوشع نمونه‌ای از ارتباط مرید و مرادی در کتاب مقدس می‌باشند. موسی برای یوشع نمونه‌ای از کار و شخصیت بود و به او مأموریت بزرگی محول کرد تا انجام دهد (خروج ۱۷:۹). یوشع خادم موسی نامیده شده است، ولی در طول خدمتش مهارت‌های لازم را کسب و شایستگی لازم را برای منصب رهبری به دست آورد. موسی اجازه داد که یوشع در کارها با او مشارکت داشته باشد تا آمادگی لازم را برای رهبری داشته باشد و بدین ترتیب وظیفه سنگین‌تری را به او محول (خروج ۲۵:۱۲-۱۴؛ اعداد ۲۷:۱۵-۲۳؛ یوشع ۱:۱-۳).

دوست دارید از مرشدانی نظیر یوشع که تحت تعلیم موسی قرار داشت، چه چیزی یاد می‌گرفتید؟ برای آموختن آنچه که در نظر دارید، چه محیطی ایده‌آل است و چنین مرشدی را از کجا می‌توانید بیابید؟



○ پولس رسول (که قبلاً نامش شاول بود) مرید برناباس و برناباس واعظ و یکی از پیروان وفادار عیسی بود. برناباس این ارتباط را طوری ترتیب داد که پولس مقبول سایر مسیحیان واقع شد و پولس همراه با برناباس برای مدتی وفاداران خدمت

کردند (اعمال ۲۸-۲۲:۹ و ۲۶-۲۲:۱۱ و ۲:۱۳).

چرا ما می‌توانیم همراه با شخص دیگری، رهبری را یاد بگیریم، نه به تنهایی؟ شما همراه چه کسی می‌توانید کار کنید و از او درس بگیرید؟

○ رابطهٔ مرشدی هدفمند است و آن کمک به مرید برای رسیدن به رشد و بلوغ است. این رابطه می‌تواند از طریق ملاقات منظم، پیروی از مرشد در کارها و همکاری با مرشد در سطوح خاصی از ضعف‌ها باشد. مرشدان، راهنمایان، مربی و معلم می‌باشند. آنها نمی‌توانند تمام مشکلات را حل کنند، ولی در رشد رهبران دخیل می‌باشند. امثال ۲۰:۱۹ در مورد طلب حکمت به ما چی می‌گوید:

← شاگردان: تربیت پیروانی خاص به جهت پذیرش مسئولیت، می‌تواند در رشد تعلیمات و مهارت رهبری شما نقش فوق‌العاده‌ای بازی کند. داشتن «شاگردان» خاص خودتان شاید به معنی گزینش تعدادی از افراد باشد که علاقه خود را به رشد روحانی و توانائی بالقوهٔ خود در رهبری نشان داده‌اند.

○ عیسی غالباً مواردی را به شاگردانش توضیح می‌داد که بر انبوه مردمی که به دنبال او بودند، پنهان بود. او متکی به شاگردان بود تا خدمتش را ادامه دهند، و وقت و انرژی زیادی صرف تربیت آنان می‌نمود. او قدرتش را به شاگردانش نشان داد، و آنها را تعلیم داد و سپس آنها را فرستاد تا بروند و دیگران را همانطور که خودش تعلیم می‌داد، تعلیم دهند (متی ۱:۱۱؛ لوقا ۹:۱-۳).

○ ایلای نبی وقتی با خطر مواجه شد از خدمت خود دلسرد شد و احساس تنهائی کرد. خدا با دادن یک دوست به ایلایا به او آرامش و تسلی بخشید. او بعداً الیشع را جانشین خود نمود (اول پاشاهان ۵-۴:۱۹ و ۱۵:۱۹-۲۱؛ دوم پادشاهان ۱۵:۱-۲). الیشع از مرشدش ایلایا درس گرفت و در ضمن با ایلایا مشارکت نمود و او را دلگرمی داد.

○ پولس مرشد تیموتاوس بود و تیموتاوس را بسیار دوست داشت، ارتباط منحصر به فرد آنها شبیه پدر و پسر بود. ضمن اینکه تیموتاوس در ایمان و مهارت رهبری رشد می‌کرد، پولس هم او را تشویق می‌کرد. ارتباط آنها یک ارتباط مرید و مرادی به همکاری با هم تبدیل شد (اول تیموتاوس ۲:۱؛ رومیان ۲۱:۱۶؛ فیلیپیان ۲:۱۹-۲۲).

شما چه کسی را می‌توانید آنطور که پولس، تیموتاوس را تربیت کرد، مرشدی کنید؟ برای شروع چنین کاری به چه چیزی نیاز دارید؟

دوست دارید چه مواردی را به شخص دیگری تعلیم دهید و چه اطلاعاتی را به او منتقل کنید؟

← **حامیان:** همگی ما رهبران در اوقاتی در طول خدمت دچار دلسردی و یأس می‌شویم، بنابراین وجود پیروان و حامیان برای ما الزامی است. نقش آنها به عنوان تشویق و سرپا نگهداشتن ما وقتی ضعیف می‌شویم، و حفاظت ما در مسیری که می‌رویم، بسیار حیاتی است. آنها برای ما دعا می‌کنند، از راه‌های عملی ما را کمک می‌کنند و حتی از ما دفاع می‌کنند. حامیان انسان‌های عزیزی هستند که خدا به ما ارزانی داشته است. به رهبرانی در زندگی خود ببینید که می‌توانید آنها را بدین

ترتیب حمایت کنید!

○ موسی می‌خواست که فرمان خدا را اطاعت کند، ولی قدرت بدنی کافی نداشت! هارون و حور، وقتی موسی خسته می‌شد، دستانش را بالا نگه می‌داشتند (خروج ۱۷:۱۲). چه کسی شما را هنگامی که دلسرد می‌شوید، تشویق می‌کند تا به راه خود ادامه دهید؟ چه کسی رؤیای شما را به شما یادآوری می‌کند و به عنوان ابزاری از سوی خدا شما را در ایمان احیا می‌کند؟

○ یوناتان وظیفه‌ای بسیار خطرناک بر عهده گرفت تا به سپاه دشمن شیبخون بزند. شهامت او به اتکاء سلاح‌دارش بود که تا پای جان از او حمایت می‌نمود (اول سموئیل ۱۴:۱-۸). تصور کنید اگر شما دارای چنین حامیانی می‌بودید که بارهای شما را حمل می‌کردند و برای شما هورا سر می‌داند، چقدر خدمات شما مؤثرتر می‌شد! شما چه حامیانی دارید؟ آنها از چه راه‌هایی به شما کمک می‌کنند تا خدمت خود را انجام دهید؟ شما چگونه از نقش آنها در زندگی خودتان، قدردانی می‌کنید؟

چه زمانی نیاز دارید که به کمک دیگران تکیه کنید؟

← **رقیبان:** هر رهبری که بخواهد کار مشکلی انجام دهد مواجه می‌شود با کسانی که رهبری او را به چالش می‌کشند، و تعلیمات او را زیر سؤال می‌برند. یک رهبر موفق به جای گریز از این افراد به دیدگاه‌های متفاوت با خودش احترام می‌گذارد. گاهی اوقات خدا از دشمنان و مخالفان ما برای فروتن نمودن ما، استفاده می‌کند.

○ خدا گاهی اوقات مخالفان را به دلیلی به سوی ما می‌فرستد، آنچنان که شخصی را

به سوی داود فرستاد (دوم سموئیل ۱۶:۵-۱۴).

○ دشمنان مهارت‌های ما را تیز می‌کنند، ما را ملزم می‌سازد تا با منطق از موقعیت خود دفاع کنیم و ما را بر آن می‌دارند که صادقانه تصمیمات خود را ارزیابی کنیم. به چالش کشیده شدن توسط کسانی که متفاوت با ما فکر می‌کنند، شخصیت ما را قوی می‌گرداند (رومیان ۵:۳-۵).

○ محصور نمودن خودمان در میان افرادی که دقیقاً مانند ما فکر می‌کنند، کمکی به ما نمی‌کند تا تصمیمات بهتری بگیریم. گاهی اوقات نیاز به افراد شجاعی داریم که ما را به چالش بکشند.

وقتی کسی شما را به چالش می‌کشد و یا با شما مخالفت می‌کند، چه واکنشی نشان می‌دهید؟ آیا ارتباط خود را با مخالفان خود، حفظ می‌کنید؟

آیات زیر راجع به مشاوران دانا، چه می‌گویند؟ امثال ۲۷:۵-۶ و ۱۷:۱۰ را بخوانید.

وقتی شما به چالش کشیده می‌شوید، چگونه می‌توانید از آن به عنوان فرصتی دیگر برای ترقی و یادگرفتن، استفاده کنید؟

◆ روابط ارزشمند: هر یک از روابط فوق به زندگی رهبر ارزش می‌بخشند. وقتی که آن روابط بجا و در تناسبی سالم باشند، رهبر احساس تنهایی نمی‌کند، و بدون

حمایت و مشاوره حکیمانه با دیگران، تصمیم نمی‌گیرد. ایجاد روابط مستلزم زمان و تلاش است. یاد بگیرید که روابط مختلف را در زندگی خود ارج بنهید. برای این کار باید بدین ترتیب شروع کنید:

← **دعا:** دعا کنید که خدا کسانی را وارد زندگی شما کند، که اینک به آنها نیاز دارید، و اهمیت آنها را برای خود تشخیص دهید.

← **مراقبت:** به دنبال کسانی باشید که وفادارانه شما را پیروی می‌کنند و به حکمت آنها اعتماد داشته باشید. به دنبال کسانی باشید که شما را به عنوان رهبر قبول دارند. چنین کسانی را با دادن مسئولیت به آنها در حوزه رهبری خود و دوستی با آنها، نزدیک خود نگهدارید، خدا کسانی را که نیاز دارید، وارد زندگی شما خواهد کرد، اما باید تشخیص دهید که به آنها نیاز دارید.

← **احترام:** وقتی خدا این افراد را وارد زندگی شما نمود، به آنها احترام بگذارید و از آنها قدردانی کنید و دوستی با آنها را مغتنم بشمارید. آنها «ابزارهائی» برای مجهز نمودن شما برای خدمت نیستند. بسیاری از روابط طرفین ارتباط را بهره‌مند می‌سازند. وقتی آنها، شما را خدمت می‌کنند، شما نیز به طریقی به آنها خدمت کنید!

آن چه تاکنون آموختیم:

◆ مردم در زندگی هر رهبری بسیار مهم می‌باشند. اما اکثر اوقات رهبر تنها است مگر اینکه یک ارتباط سازنده و هدفمند برقرار سازد.

◆ مردم می‌توانند ما را در رهبری قوی‌تر سازند. موافقان و مخالفان ما هر کدام نقشی در زندگی ما بازی می‌کنند.

◆ مهم‌ترین روابط برای یک رهبر عبارتند از: خانواده، دوستان، همکاران، مرشدان، شاگردان و حامیان و مخالفان.

◆ یک رهبر باید برای روابط در زندگی خودش ارزش قائل شود و روابط خود را توسعه ببخشد. چنین اقدامی مستلزم صرف وقت، اعتماد و قدردانی از دیگران است.

سوالات آموزشی

۱. اینک در زندگی خود از هفت نوع ارتباط فوق، کدام یک را دارید؟ کدام یک را ندارید؟ به کدام یک بیشتر نیاز دارید؟

۲. آیا تاکنون حامی کسی در رهبری شده‌اید؟ آیا تاکنون به کسی گفته‌اید با جان و دل او را همراهی می‌کنید؟ بار چه کسی را می‌توانید سبک‌تر کنید؟ و چه درسی از او یاد گرفته‌اید؟

۳. اینک در زندگی خود از چه رابطه‌ای غفت کرده‌اید؟ برای جبران مافات، اینک چه کاری می‌توانید انجام دهید؟

توصیه رهبران به رهبران

نقل قول‌هایی از رهبران گذشته و کنونی در رابطه با روابط سالم

«من با انتخاب افراد کمتری تصمیم گرفتم رهبری خوبی را پیش بگیرم و این مهم را در نظر داشتم که نمی‌توانم به همه مردم کمک کنم و مخصوصاً تلاش کردم تا در خدمتی که بدان دعوت شده‌ام، پیشرفت کنم. مثلاً خدمت به اعضای کلیسا، که واعظ آماده‌ای باشم و خود را ملزم ساختم تا در اختیار کسانی باشم و به کسانی کمک کنم که به من اعتماد کرده‌اند و باید در روابطم نسبت به اعضای کلیسا امین و وفادار باشم.»

میخائیل - کشیش

«برقراری روابط زمان می‌برد. شما نمی‌توانید یک ارتباط سالم را بدون در نظر گرفتن مواردی که آن را غنا می‌بخشد، انتظار داشته باشید! چنین روابطی اگر در تحکیم آنها هدفمند باشیم رشد می‌کنند. رشد دوستی مستلزم محبت ایثارگرانه است. برای جذب حامیان، باید مردم را تشویق کنیم و رویای خود را با آنان در میان بگذاریم. مردم بخشی از آنچه که ما انجام می‌دهند، نمی‌باشند، بلکه کانون آن می‌باشند.»

آدل - خادم مسیحی

«یکی از ضعف‌های من این بود که برنامه‌ها را مهم‌تر از مردم تصور می‌کردم و لازم بود روی این مشکل کار کنم. همیشه گروه کوچکی خواه در میان همکاران و دوستان نزدیکی بودند که با آنها کار می‌کردم. با هم در خانه من و یا در خانه آنها با هم

ملاقات می‌کردیم، و این ملاقات‌ها من و همسر من را به وجد می‌آوردند. حتی تعداد کمی از دوستان با هم می‌توانند ارتباطی عمیق در سطح شخصی داشته باشند.»

دیوید - کشیش

«من ایمان دارم که روابط خوب، بیشتر از هر چیز دیگری رهبری را تعیین می‌کنند. توانایی شکل دادن و پایدار کردن روابط سالم، با محبت و صادق مهم‌ترین اصل در رهبری است. عیسی مرد تا آن را به ما نشان دهد و زنده است تا نظم‌ینش کند. برای همیشه.»

جان، رهبر مسیحی

«من ایمان دارم خداوند روابط مرا حفظ می‌کند. اگر او از من می‌خواهد که مردم را هدایت کنم، پس دل‌های آنها را بر می‌انگیزد تا مرا متابعت کنند و به کلام خدا که به آنها تعلیم می‌دهم، گوش بسپارند. خدا رهبری مرا همانطور که رهبری موسی را حفاظت کرد، حفاظت می‌کند. من برای افراد تحت تعلیم دعا می‌کنم. برای استجابات دعاهایشان دعا می‌کنم و مواظب آنها هستم، سعی می‌کنم نسبت به آنها مهربان باشم. من همچنین مواظب موقعیت روحانی آنها می‌باشم و سعی می‌کنم آنها را دعوت به اعتلای روحانیت کنم. اگر بتوانم کاری مادی برای آنها انجام دهم، دریغ نمی‌کنم و مطمئنم آنها، این را می‌دانند! مهم‌ترین روابط من، رابطه با شوهرم است. ما هر روز با هم دعا می‌کنیم و تحولات زیادی در زندگیمان ایجاد شده است. ارتباط درجه دوم من، با کلیسا و حوزه خدمت می‌باشد.»

شاوانا - رهبر مسیحی

«احتمالاً من بیشتر از آنچه که از مرشدم می‌آموزم، از بنا نمودن شاگردانی که دارم، می‌آموزم، اما سعی می‌کنم این دو ارتباط را در زندگی حفظ کنم. ارتباط مراد و مریدی و شاگرد معلمی هر دو سطوحی از ضعف‌هایم را بر من نشان می‌دهند و مرا از راه‌های مختلف تشویق می‌کنند تا قوی شوم. علاوه بر آن، مشایخ کلیسای من بهترین حامیان من و دوستان عزیزم می‌باشند و بدون آنها خدمت من ثمربخش نخواهد بود.»

جووان - کشیش